

معنویت تشیع

به ضمیمه چند مقاله دیگر

علامه سید محمد حسین طباطبائی

مقدمه به قلم علامه حسن زاده آملی

به اهتمام محمد بدیمی

انتشارات تشیع

معنویت تشیع

به ضمیمه چند مقاله دیگر

علامه سید محمد حسین طباطبائی

مقدمه به قلم علامه آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی

گردآوری و تحقیق و ویرایش: محمد بدیعی

انتشارات تشیع

چاپ اول - ۱۳۸۵

چاپخانه الف

لبنوگرافی غدیر

شمارگان دو هزار نسخه

انتشارات تشیع: قم، بلوار شهید صدوقی، کوچه ۳۰، پلاک ۵ تلفن ۲۹۲۲۸۴۳

شابک ۹۶۴-۶۳۹۹-۲۷-۳

۱۸۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه علامه حسن زاده آملی
۱۳	و آتیناه الحکمة و فصل الخطاب
۱۴	آثار هر کس نمودار دارایی اوست
۱۵	از زبان مبارک خود استاد
۱۶	تاریخ اتمام المیزان و توصیه به طلاب علوم
۱۷	جناب آقای سید حسین بادکوبه‌ای از اساتید بزرگ علامه طباطبایی
۱۸	تحصیلات ریاضی جناب استاد طباطبایی
۱۸	نصب دایره هندیه در مدرسه حجتیه به عمل علامه طباطبایی
۱۸	ترک تبریز و اقامت در قم و استخاره با قرآن
۱۹	جناب حاج میرزا سید علی قاضی طباطبایی استاد بزرگ علامه
۲۱	میرزای شیرازی و میرزا حسین قاضی
۲۱	نقل رؤیا و کلام مرحوم آیه الله آملی درباره علامه طباطبایی
۲۲	رساله محاکمات استاد علامه طباطبایی
۲۲	یکی از مؤلفات علامه طباطبایی علی و الفلسفة الالهیه
۲۳	سلسله مشایخ سیر و سلوک عرفان عملی علامه طباطبایی
۲۴	واقعه ملاقات حاج سید علی شوشتری و ملاقلی جولانی
۲۵	الانسان قبل الدنيا و فی الدنيا و بعد الدنيا
۲۶	هدف سفرای الهی تعلیم و تأدیب بشر است
۲۶	آثار عمده قلمی جناب علامه طباطبایی از نظم و نشر

۲۹	۱. معنویت تشیع.....
۲۹	راه شناخت حقیقت.....
۳۱	طریق ارشاد مولوی.....
۳۵	نتایج طریق تعقل در اسلام.....
۳۷	پیامبران مظهر کامل تجلی.....
۳۹	پیدایش حلول در کلیسا و آثار و نتایج آن.....
۴۲	مسئول این وضع ناگوار کیست؟.....
۴۳	توصیه اسلام به پیروان خود.....
۴۵	خودباختگی مسلمان‌ها در برابر غرب.....
۴۷	نقطه آغاز انحراف از روش پیامبر.....
۴۹	مصلحت به جای حقیقت.....
۵۲	تکمیل مصونیت و خودمختاری خلفا و نتیجه آن.....
۵۴	نتایج استقلال نظر و حکم خلفا.....
۵۶	تغییر معارف و قوانین.....
۵۹	منوعیت بحث و استدلال منطقی.....
۶۳	سیر معنوی و معادشناسی.....
۶۵	فعالیت شیعه برای استقرار حق.....
۶۸	۲. ولایت و رهبری.....
۶۹	استقلال فردی.....
۷۰	قلمرو ولایت و رهبری.....
۷۲	آفرینش، اجزای خود را به تکامل رهبری می‌کند.....
۷۳	لزوم اصل ولایت و رهبری.....
۷۵	احکام ثابت و متغیر.....
۷۸	آیا جامعه اسلامی به جامعه دموکراسی شباهت دارد؟.....
۷۹	نقش حکومت در پیشرفت و انحطاط ملت‌ها.....
۸۴	آیا اسلام درباره حکومت سکوت کرده؟.....
۸۶	رهبریت در عصر غیبت امام.....

۳. انگیزه آفرینش	۹۰
تحلیل و بررسی این پرسش	۹۰
هدف در تمام اجزای جهان	۹۲
آرمان و هدف جهانی	۹۴
انگیزه خدا در آفرینش جهان چیست؟	۹۶
۴. نقش ماورای طبیعت در جامعه	۹۸
ارتباط ماورای طبیعت و زندگی	۹۹
قانون ضمانت اجرایی لازم دارد	۱۰۰
نقش معاد در زندگی انسان چیست؟	۱۰۳
تأثیر معاد در شئون فکری و اخلاقی	۱۰۵
بررسی و تحلیل اعتقاد، اخلاق و عمل	۱۰۷
پیدایش اخلاق و رابطه آن با ایمان و عمل	۱۰۹
اخلاق پشتیبان عملی لازم دارد	۱۱۲
۵. آیا اسلام امروز هم قابل اجرا است؟	۱۱۴
آیا تمام مسایل در قلمرو تحول است؟	۱۱۴
هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد	۱۱۵
تفاوت قوانین اسلامی با قوانین بشری چیست؟	۱۱۷
مبارزه با انحراف	۱۱۸
۶. شخصیت اجتماعی زن	۱۲۰
زن، حیوانی انسان گونه!	۱۲۱
زن، آزادی در زنجیر!	۱۲۲
زن و اسلام	۱۲۵
پایه‌های عمومی قوانین اسلامی	۱۲۷
موقعیت زن در اسلام چیست؟	۱۳۰

- تعدیل حقوق زن با مرد ۱۳۲
- زمام امور به دست عقل باشد یا احساس؟ ۱۳۶

۷. چرا پیغمبر این همه ازدواج کرد؟ ۱۳۸
- علل ازدواج های پیغمبر اسلام چه بود؟ ۱۴۰
- زنان پیغمبر اکرم ۱۴۱

۸. ازدواج موقت ۱۴۵
- پاسخ به سخنان آقای مردوخ ۱۴۷

۹. طرح کلی مالکیت ۱۶۰
- ملاک تلاش ها و کشمکش ها چیست؟ ۱۶۰
- آیا مالکیت فطری است؟ ۱۶۱
- مالکیت کار ۱۶۲
- پول، نمایانگر مالکیت ۱۶۳
- ریا، یا نفی مالکیت است ۱۶۴
- ریا، نطفه اختلاف طبقات جامعه می باشد ۱۶۶

۱۰. مشروبات الکلی عامل عقبگرد انسانیت ۱۶۸
- رشد عقل مهمترین عبادت است ۱۶۹
- آثار شوم آزادی مشروبات الکلی ۱۷۰
- مبارزه اسلام با شراب ۱۷۱

۱۱. چرا باید دست دزد را قطع کرد؟! ۱۷۳
- احترام به حقوق دیگران ۱۷۳
- آیا باید در مجازات ترحم کرد؟ ۱۷۴
- فرد فدای جامعه یا جامعه فدای فرد شود؟ ۱۷۵
- آیا بریدن دست دزد چرخ اقتصاد را کند می کند؟! ۱۷۶

زندان، آموزشگاه دزدان است! ۱۷۷

۱۲. محمد (ص) در آئینه اسلام ۱۷۹

اسلام و ادیان دیگر ۱۷۹

اصالت فرد و جهان بینی او ۱۸۱

جهان بینی اسلام ۱۸۲

اصل تعادل میان ماده و معنی ۱۸۷

علم و آگاهی از نظر اسلام ۱۹۲

آیا عرفان اسلامی از عرفان هندی گرفته شده است؟ ۱۹۵

تفاوت بیانات عرفانی اسلام با دیگران ۱۹۸

نتیجه های فاسد عرفان هندی ۱۹۸

برگردیم به روش اسلام ۱۹۹

اجمالی از سیر معنوی در اسلام ۲۰۰

برتری اسلام در توحید ۲۰۳

ولایت الهی ۲۰۳

۱۳. سخنی در باره علم امام ۲۰۵

قسم اول از علم امام ۲۰۵

دلیل این مطلب: از راه نقل، روایات متواتره است ۲۰۵

تأثیر علم امام در عمل و ارتباط آن با تکلیف ۲۰۶

قسم دوم از علم امام، علم عادی ۲۰۸

نهضت سید الشهدا (ع) و هدف آن ۲۰۸

درگذشت معاویه و خلافت یزید ۲۱۰

زندگی ننگین نه، مرگ سرخ آری ۲۱۱

امام به وظیفه خود اشاره می کند ۲۱۲

اختلاف روش امام در مدت قیام ۲۱۳

۱۴. هدف از پیمان ها ۲۱۷

اصالت ماده ۲۱۷

۲۱۸ اصالت ماده و معنی

۲۲۰ ۱۵. اجتهاد و تقلید در شیعه

۲۲۰ ریشه دینی اجتهاد و تقلید

۲۲۳ تقلید در صورت عدم قدرت و یا فرصت استدلال است

۲۲۵ مبارزه با تقلید کورکورانه

۲۲۷ ۱۶. تحقیقی کوتاه در بارهٔ مسیح و انجیل

۲۲۸ نویسندگان انجیل های چهارگانه

۲۳۲ ۱۷. پیروی از خرافات

۲۳۳ آیا ماورای حس و تجربه وجود دارد؟

۲۳۶ آیا پیروی از دین تقلید است؟

۲۳۸ ۱۸. آیا رؤیا حقیقت دارد؟

۲۳۸ قرآن در این باره چه می گوید؟

۲۳۹ آیا نفس انسان با رؤیا اتصال دارد؟

۲۴۰ رؤیای صریح و غیر صریح

۲۴۲ ۱۹. معجزه چیست؟

۲۴۳ معجزه از نظر قرآن

۲۴۳ قرآن قانون علیت عمومی را تصدیق دارد

۲۴۴ قرآن اثبات خارق عادت می کند

۲۴۸ ۲۰. داستان شق القمر و ستارهٔ زهره

۲۴۹ جواب معترضین شق القمر

۲۵۰ آیا ستارهٔ زهره بر بام خانه علی (ع) نشست؟

۲۵۱	 ۲۱. محکم، متشابه و تأویل در قرآن
۲۵۱	 معنی کلمات آیه :
۲۵۲	 اصطلاح محکم و متشابه از نظر قرآن کریم
۲۵۳	 آیات متشابه دلالت بر مراد دارد
۲۵۴	 چرا بعضی آیات قرآن متشابه است؟
۲۵۵	 پیروی از آیات متشابه
۲۵۶	 تأویل چیست؟
۲۵۸	 چند استشهاد از قرآن کریم
۲۶۱	 خلاصه کلام
۲۶۳	 ۲۲. پیام به کنفرانس بزرگداشت «تستری»

مقدمه علامه حسن زاده آملی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ
اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

وآئیناه حکمت و فصل الخطاب

با اهدای تحیت و سلام از این کمترین خوشه چین خرمن اقبال بزرگان، حسن زاده آملی، شرح زندگی سراسر سعادت بقیة الماضین و ثمال الباقین، آیت علم و دین، مفسر کبیر، فیلسوف الهی، عارف ربّانی، فقیه صمدانی، فخر اسلام، استاد اکبر، حضرت آیه الله العظمی علامه حاج میرزا سید محمدحسین طباطبائی (متع الله الاسلام والمسلمین بطول بقائه الشریف) را خواسته اید.

با اینکه انجام دادن چنین امر خطیر به شایستگی، از عهده این حقیر خارج است که نه به پاریسی نغز یاراست و نه به عربی مُبین توانا، باقل با قلم شکسته در فصاحت سبحان چه تواند بنگارد؟! مع الوصف عدم امثال را مروّت ندیدم و با بضاعت مزجات، شمه‌ای از آنچه که به سالیانی دراز در روضه رضوان محضرائش و قدس آن قدیس قدوسی، و محفل درس و بحث آن معلّم ربّانی، در دفتر خاطرات ضبط کرده‌ایم و گفتنی است، تقدیم می‌داریم، و بدون تصنّع و تکلف در انشاء، کلک را به رفتار ساده‌اش واگذار، و به اختیارش رهسپار می‌کنیم؛ بسم الله مَجْرُئِها و مُزْسِنِها.

۱. این نوشتار در زمان حیات علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) تحریر شده است و برگرفته از کتاب درآسمان معرفت می‌باشد.

یک دهان خواهم به پهنای فلک
ور دهان یابم چنین و صد چنین
تا بگویم وصف آن رشک ملک
تسنگ آید در بیان آن امین
این قدر هم گر نگویم ای سَنَد
شیشه دل از ضعیفی بشکند

در پیرامون این گونه مردان بزرگ که فوق زمان و مکان و از نوابغ دهرند، از چندین بُعد باید سخن به میان آورد که کوتاه‌ترین آن ابعاد، بُعد زمان و مکان و شرح نحوه تعیش و معاش آنان است و در این بُعد مادی سخن گفتن دور از شأن آن ارواح عرشی است، در این قسمت به همین گفتار حافظ شیرین سخن اکتفا می‌کنیم:

فلک به مردم نادان دهد زمام مراد تو اهل دانش و فضلی همین گناهت بس
وقتی به دأب و اقتضای اوان تحصیل، به بؤس بآسایی دچار شدم که تورا طاقت
نباشد از شنیدن، دوست دانشمندی که باوی افتخار هم حجرگی داشتم به دیدارم آمد
- خدایش ببخشد - که به تشفی ام آمد و شفا بخشید و نویدم داد که یارا این سختی
گوارا باد که به شهادت تذکره‌ها، نفوس مستعدّه از تحمل ساعتی چنین در محنت
زمانه، مردان نامدار و امثال روزگار شدند. آری:

نه در غنچه کامل شود پیکر گل نه در بوته ظاهر شود صورت زر
زأحداث چرخ است تهذیب مردم چو از زخم خایسک تیزی خنجر

آثار هر کس نمودار دارایی اوست

بهترین معرف آن جناب سیر و سلوک انسانی، و آثار علمی از تدریس و تألیف اوست، افاضل حوزه علمیّه قم که شاغل کرسی تدریس اصول معارف حقّه جعفریّه‌اند، از تلامذه اویند. و تفسیر عظیم‌الشان «المیزان» که عالم علم را مایه فخر و مباهات است، یکی از آثار نفیس قلمی و أمّ‌الکتاب مؤلفات اوست.

امام الكلّ فی الكلّ امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصف قرآن فرمود: «کتاب الله ينطق بعبئه ببعض ويشهد بعضه على بعض». (خطبه ۱۳۱/ نهج البلاغه) بلکه خود قرآن کریم در وصف خود می‌فرماید: «ونزلنا عليك الكتاب تبياناً لكلّ شيء». (نحل/۹۰) «الله نزل أحسن الحديث كتاباً متشابهاً مثاني» (زمر/۲۶)، «ولقد آتيناك سبعاً من المثاني والقرآن العظيم» (حجر/۸۸).

معنی مثانی همان است که امیر علیه السلام فرمود: «کتاب الله ينطق بعبئه ببعض ويشهد بعضه على بعض». چه مثانی جمع مثنیّه، اسم مفعول از ثنی به معنی غَطَف و لَوی،

یعنی پیچیدن و برگشتن است. مثلاً رودخانه که در بعضی از جاهای مسیرش پیچ می‌خورد و دور می‌زند و برمی‌گردد، آن جاها مثانی اوست که به سبب این انعطاف، قسمت قبل از پیچ رودخانه و قسمت بعد از پیچ آن ناظر یکدیگرند، آیات قرآنی هم باهم این چنین‌اند که ناظر یکدیگرند، یعنی بیان و زبان یکدیگرند. در منتهی‌الارب گوید: «ثَنَى بِالْكَسْرِ: گشت وادی و گشت کوه».

این خلاصه مضمونی از تحقیق رشیق جناب استاد روحی فداه در تفسیر کبیر «المیزان» در بیان مثانی است. به همین مبنی متین، قرآن کریم را به زبان قرآن کریم تفسیر فرموده است و در آغاز تفسیر به این نکته علیا اشارتی فرموده که خلاصه مفادش این است: حاشا که قرآن نور و تبیان کل شیء باشد و تبیان نفس خود نباشد. این تفسیر شهر حکمت و مدینه فاضله‌ای است که در آن از بهترین و بلندترین مباحث انسانی و شعب دینی، از عقلی و نقلی و عرفانی و فلسفی و حکمت متعالیه و اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی و غیرها بحث شده است.

مپنداری که این سخنم بانص خود آن جناب در دیباجه تفسیر تناقض دارد که فرمود: «قد اجتنبنا فيها عن أن نركن إلى حجة نظرية فلسفية أو إلى فرضية علمية، أو إلى مكاشفة عرفانية.» که هر دو به حق سخن گفتیم، چنانکه باز خود معظم‌له در آخر دیباجه فرمود: «ثم وضعنا أسحاثاً مختلفة فلسفية وعلمية وتاريخية واجتماعية وأخلاقية الخ» فتبصر.

از زبان مبارک خود استاد

در صبح روز سه‌شنبه بیست و پنجم شعبان المعظم ۱۳۸۷ هـ ق = ۷ آذر ۱۳۴۶ هـ ش در محضر مبارک جناب استاد علامه طباطبائی (مذله‌العالی) تشریف حاصل کردم، سخن از زمان تحصیل و کارهای علمی معظم‌له به میان آمد، فرمودند: من انتظار آمدن بهار و تابستان را می‌بردم، چه در آن دو فصل چون شبها کوتاه بود، شب را به مطالعه و نوشتن به‌روز می‌آوردم و در روز می‌خوابیدم.

سپس در باره تفسیرش فرمودند: من اول در روایات بحار بسیار فحص و تتبع کردم که از این راه کاری کرده باشیم و در باره روایات، تألیفی در موضوعی خاص داشته باشیم، بعد در تلفیق آیات و روایات زحمت بسیار کشیدیم تا اینکه به فکر افتادیم بر قرآن تفسیری نویسیم، ولی چنین می‌پنداشتیم که چون قرآن بحر بی‌پایان

است اگر به همه آن پردازیم مبادا توفیق نیابیم، لذا آنچه از قرآن در اسماء و صفات الهی و آیات معاد و از این گونه امور بود جدا کردیم که هفت رساله مستقل در هفت موضوع تألیف کرده‌ایم، تا اینکه به تفسیر قرآن اشتغال ورزیدیم که اکنون چهارده جلد آن طبع و منتشر شده است.

این سخن استاد در آن روز بود و امروز بحمدالله تعالی توفیق یافت که تفسیر المیزان را در بیست مجلد در مدت بیست سال به اتمام رسانید و در آخر تفسیر تاریخ اتمام را مرقوم فرمود به این عبارت:

تاریخ اتمام المیزان و توصیه به طلاب علوم

«تم الكتاب والحمد لله واتفق الفراغ من تأليفه في ليلة القدر المباركة الثالثة والعشرين من ليالي شهر رمضان من شهور سنة اثنتين وتسعين وثلاثمائة بعد الألف من الهجرة والحمد لله على الدوام والصلوة على سيدنا محمد وآله والسلام».

طالب عزیز ما سر مشق بگیرند که حضرت علامه طباطبائی، شب قدر را به بحث و تحقیق آیات قرآنی احیاء می‌کرد و تفسیرش در این شب فرخنده به پایان رسید. آری این چنین باید بکار بود و به شعر رسا و شیوای شمس الدین محمد بن محمود آملی صاحب نفائس الفنون.

به هوس راست نباید به تمنی نشود کاندین راه بسی خون جگر باید خورد
شیخ المشایخ صاحب جواهر (قدس سره العزیز) در آخر کتاب دیات آن فرماید: «تم کتاب جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام فی اللیلة الثلاثاء الثلاث والعشرين من شهر رمضان المبارك ليلة القدر التي كان من تقدير الله تعالى فيها ان يتفضل علينا باتمام الكتاب المزبور من سنة الالف والمائتين والاربع والخمسين من الهجرة النبوية الخ».

از جناب صدوق ابن بابویه (رضوان الله تعالی علیه) در احیای شب های بیست و یکم و بیست و سوم ماه مبارک رمضان که لیالی قدرند، در مفاتیح محدث قمی چنین نقل شده است: «قال شيخنا الصدوق فيما أملی علی المشایخ فی مجلس واحد من مذهب الإمامية ومن أحيي هاتين الليلتين بمذاكرة العلم فهو أفضل». یعنی افضل اعمال در احیای این دو شب قدر، مذاکره علم است.

جناب آقای سید حسین بادکوبه‌ای از اساتید بزرگ علامه طباطبایی

زوزی در محضر مبارکش در ولایت و امامت سؤالاتی عنوان کردم تا اینکه سخن از آیه کریمه «وَاذِ ابْنِ إِبْرَاهِيمَ أَنَّى جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمَنْ ذَرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنْالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/۱۲۵) به میان آمد، به حضورش عرض کردم جناب عالی در تفسیر در وجه استفاده آیه بر عصمت امام، بیانی از بعضی اساتیدتان نام برده‌اید: «وقد سئل بعض أساتيدنا رحمة الله عليه: عن تقريب دلالة الآية على عصمة الامام، فأجاب - الخ». این استاد کدام بزرگوار است؟ فرمود: مرحوم آقا سید حسین بادکوبه‌ای، (ص ۲۷۷/ج ۱/الميزان)

راقم گوید: دیگر اساتید ما هم آیات عظام حاج شیخ محمد تقی آملی و آقا سید محمد حسن قاضی الهی طباطبایی (قدس سرهما) از استادشان جناب آقا سید حسین بادکوبه‌ای به تجلیل و تعظیم نام می‌بردند. آن جناب آقا سید حسین بن سید رضا بن سید موسی حسینی بادکوبی لاهیجی (نه لاهیجی) است. در سال ۱۲۹۳ هـ ق در قریه خود دلالان بادکوبه متولد شده است. وی یکی از اعظام تلامذه جناب آقا میرزا هاشم اشکوری و آقامیرزا ابوالحسن جلوه و آقا علی مدرس صاحب بدایع الحکم و آخوند خراسانی صاحب الکفایه و شیخ محمد حسن مامقانی (رضوان الله تعالی علیهم) و از مفاخر علمای متأخرین و متحلی به ملکات فاضله انسانی بود. در ۲۸ شوال ۱۳۵۸ هـ ق در نجف اشرف به جوار رحمت الهی پیوست و او را تألیفاتی در معقول و منقول است. در طبقات اعلام الشیعه علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی (رضوان الله علیه) مذکور است. (ص ۵۸۲-قسم ثانی جزء اول علمای قرن ۱۴).

در شب جمعه سیزدهم ذی الحجه ۱۳۸۹ هـ ق = ۱۳۴۸/۱۲/۱ هـ ش که با تنی چند از افاضل حوزه از محضر پر فیض استاد علامه طباطبایی استفاضه می‌کردیم، پس از اتمام جلسه در معیت آن جناب در اثنای راه بودم، اظهار داشتند که مرحوم استاد ما آقا سید حسین بادکوبه‌ای به طور منجز و قطع می‌فرمودند که شرح حکمت الاشراق قطب (شرح علامه قطب شیرازی بر حکمة الاشراق شیخ سهروردی) تقریرات درس خواجه نصیرالدین طوسی (قدس سره) است. و خواجه مشرب اشراق داشت، در حکمت اشراقی بود، چنانکه در مبحث علم اشارات، به خلاف شرطش در اول کتاب با مبنای مشاء مخالفت کرده، و علم را به طریق اشراق که فاعل بالرضا باشد تقریر کرده است.

تحصیلات ریاضی جناب استاد طباطبایی

و نیز در شب پنجشنبه بیستم ذی القعدة ۱۳۹۷ هـ ق = ۱۳۵۶/۸/۱۲ هـ ش، بعد از انقضای جلسه، در اثنای راه، به مناسبتی سخن از ریاضیات به میان آمد، فرمودند: استاد ما آقا سیدحسین بادکوبه‌ای در نجف به ما امر فرمود که تحریر اقلیدس را بخوانیم، مدت دو سال و خورده‌ای در محضر آقا سیدابوالقاسم خوانساری، تحریر مذکور و ریاضیات می‌خواندیم. سپس فرمودند: مرحوم آقا سیدابوالقاسم خوانساری در ریاضیات بسیار متبحر بود، از دانشگاه سؤالاتی برای او می‌فرستادند، در معادلات جبر و مقابله نیز یکی از متبحرین بود، تثلیث زاویه می‌کرد، ولی به ما یاد نداد، و اخیراً در هند مرحوم شد.

روزی جناب استاد علامه طباطبایی به این جانب فرمودند: در اوائل که از تبریز به قم آمدم، شرح چغمینی را تدریس می‌کردم.

راقم گوید: شرح چغمینی از کتب هیأت است. ماتن آن محمودبن محمدبن عمر چغمینی، مؤلف قانونچه در طب است، و شارح آن قاضی زاده رومی است. شارح از راصدین رصدخانه سمرقند است و در عمل زیج الغ بیکی سهمی به سزا دارد. این کتاب در ترتیب تدریسی و کلاسیکی فن هیأت از بدایات است.

نصب دائره‌هندیه در مدرسه حجتیه به عمل علامه طباطبایی

این جانب در دوشنبه بیست و پنجم ج ۱ سنه ۱۳۸۳ هـ ق، برابر با ۲۲ مهر ۱۳۴۲ هـ ش، به قصد اقامت در ارض اقدس قم، از تهران مهاجرت کرده است. در همان اوان، محصلین مدرسه حجتیه قم برایم حکایت کردند که در یک گوشه حوض مدرسه نامبرده، جناب علامه طباطبایی، دایره هندیه برای تعیین سمت قبله و تشخیص خط نصف النهار که زوال ظهر از آن در هر روز معلوم می‌گردد، به افق قم، کار گذاشته‌اند که متأسفانه در حفظ آن کوتاهی شد و چنان اثر علمی عملی ضایع گشت.

ترک تبریز و اقامت در قم و استخاره با قرآن

استاد علامه طباطبایی پس از تحصیل مقدماتی و سطوح در تبریز، در ۱۳۴۴ هـ ق به نجف اشرف مهاجرت کردند و در محضر اساتید بزرگ چون آیات عظام: حاج سیدعلی آقای قاضی طباطبایی و آقا سیدحسین بادکوبه‌ای، و آقا سیدابوالحسن

اصفهانى و آقا محمد حسين كمپانى و آقا ميرزا حسين نايينى و آقا سيد ابوالقاسم خوانسارى، به مقامات بلند فنون علمى و عملى نائل آمدند و پس از ده سال اقامت در نجف در ۱۳۵۴ هـ ق = ۱۳۱۴ هـ ش به تبريز مراجعت فرمودند و چند سال در تبريز به تدريس و تاليف و تحقيق اشتغال داشتند، تا در سنه ۱۳۶۵ هـ ق به قصد عزيمت به قم، تبريز را ترك گفته‌اند و در قم اقامت فرمودند و تفسير قرآن كريم و تدريس علوم عقلى و اصول معارف حقّه الهيه را در قم تاسيس فرمودند و تا كنون كه يكشنبه ۲۵ شعبان المعظم ۱۴۰۱ هـ ق = ۷ تير ماه ۱۳۶۰ هـ ش است، محفل مباركش معقل ارباب عقول، و مجلس مقدسش مدرّس اصحاب علوم است (ادام الله تعالى اعوام افاضاته).

هر چند بسيارى از افراد حوزه علميه قم محضر انورش را ادراك کرده‌اند، ولى جمعى را فقط حظّ توفيق حضور بود، و فريقي را نصيب اطلاع به صورت اصطلاحات، و بعضى را نيل عروج به معارج علمى، و طايفه‌اى را ميل به سير و سلوك عملى، و قليلى را وصول به منقبتين علم و عمل، و در حقيقت به همان ماثبات است كه حكيم الهى جناب ميرزا ابوالحسن جلوه (قدس سره) در شرح حال خويشتن ترقيم فرموده است: «بالفعل اكثر طلاب از شهرهاى مختلف كه ميل به معقول دارند، گرد من جمع‌اند، هر جمعى به خيالى: برخى محض آموختن اصطلاح و طايفه‌اى به جهت آراستن مجالس، و شردمه‌اى به جهت صداقت و ساده لوحى و اعتقاد به عالم تجرد، شرح اين طايفه است: ثلّة من الاولين و قليل من الآخرين، بارى: هر كسى از ظن خود شد يار من / و ز درون من نجست اسرار من».

روزي جناب استاد علامه طباطبايى براى اين داعى حكاييت فرمود كه چون از تبريز عزم مهاجرت به قم كردم با قرآن مجيد استخاره نمودم، اين آيه كريمه آمد: «هنا لك الولاية لله الحق هو خير ثواباً وخير عقباً» (كهف/ ۲۴).

جناب حاج ميرزا سيد على قاضى طباطبايى استاد بزرگ علامه

يكى از اساتيد بزرگ جناب استاد علامه طباطبايى (مد ظله العالى) آيه الله العظمى، عارف عظيم الشأن، فقيه عالى مقام، صاحب مكاشفات و كرامات، مرحوم حاج سيد ميرزا على آقاى قاضى تبرىزى در نجف بود. علامه شيخ آقا بزرگ طهرانى (رضوان الله عليه) در طبقات اعلام الشيعة (ص ۱۵۶۵، قسم رابع از جزء اول در اعلام قرن رابع عشر) شرح حالش را ذكر کرده است و تنى چند از اساتيدش را نام برده و گفته است: «هو السيد

المیرزا علی آغابن المیرزا حسین بن المیرزا أحمد بن المیرزا رحیم الطباطبائی تبریزی القاضی عالم مجتهد تقی ورع اخلاقی فاضل ... وقد دامت المودة والصحة بینا عشرات السنين فرأيته مستقيماً في سيرته كريماً في خلقه شريفاً في ذاته ... الخ، له تفسير القرآن من اوله الى قوله تعالى: «قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون» (انعام/ ۹۲) ولوالده تفسير ايضاً، وبيتهم بيت فضل وتقى قديم.» (انتهى ملخصاً)

او سيد علی آقا پسر میرزا حسین، پسر میرزا احمد، پسر میرزا رحیم طباطبائی تبریزی قاضی است. دانشمند و مجتهدی است متقی و اخلاقی فاضلی است پرهیزگار. ده‌ها سال میان ما و آن جناب دوستی و معاشرت بود. در طول این مدت وی را در روش خویش استوار و در خوی و خصلت جوانمرد و در ذات و فطرت بزرگوار یافتیم... او را تفسیری است که از اول قرآن شروع و به آیه ۹۲ از سوره انعام آنجا که می‌فرماید: «قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون» (یعنی بگو خدا و سپس آنها را رها کن تا در عین غوطه‌وری در باطل یکسره مشغول بازی باشند) ختم می‌گردد. و نیز پدر آن جناب را بر قرآن تفسیری است. خانه آنها از قدیم خانه علم و فضیلت و تقوا بوده است.

قاضی مذکور از اعجوبه‌های دهر بود، از نجل جلیل او - مصداق الولد سرایبه - آقا سید مهدی قاضی طباطبائی (رحمة الله علیه) و مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی آملی (رضوان الله علیه) و جناب علامه طباطبائی (مد ظله العالی) و برادر ماجد آن جناب آیه الله آقا سید محمد حسن الهی قاضی طباطبائی (قدس سره) که هریک را بر این بنده حقی عظیم است، در باره آن جناب وقایعی شگفت یادداشت داریم که نقل آنها را به زمان فرصت موکول می‌کنیم.

یکی از کلمات دل‌نشین مرحوم حاج سید علی قاضی این است که اگر انسان نصف عمر خود را در پیدا کردن کامل صرف کند جا دارد. آنکه مرحوم شیخ آقا بزرگ در حق مغفوره قاضی فرمود: «فرأيته مستقيماً في سيرته» نکته‌ای بسیار ارزشمند است، چه عمل عمده در سلوک الی الله استقامت است، نزول برکات و فیض‌های الهی بر اثر استقامت است. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ نحن اولياؤكم في الحياة الدنيا وفي الآخرة ولكم فيها ما تشتهون أنفسكم ولكم فيها ما تدعون نزلاً من غفور رحيم»

میرزای شیرازی و میرزا حسین قاضی، قدس سرهما

در شب پنجشنبه ۲۱ رجب المرجب ۱۳۸۷ هـ ق = ۱۳۴۶/۸/۳ هـ ش، از محضر مبارک استاد علامه طباطبایی با تنی چند از افاضل دوستان استفاده می‌کردیم، در حاشیه جلسه درس، سخن از استادش مرحوم آقای قاضی و اساتید و شاگردانش به میان آمد، از آن جمله فرمودند: آن مرحوم اساتید بسیار دیده است - و چند نفر را نام بردند - تا اینکه فرمودند: پدر او مرحوم حاج میرزا حسین قاضی تفسیر سوره فاتحه و سوره انعام نوشته است و من دیدم ولی اکنون نمی‌دانم کی دارد و در دست کیست. و فرمودند حاج میرزا حسین قاضی از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی بود و چون از نزد میرزا خواست خدا حافظی کند و به تبریز برود، مرحوم میرزا به او گفت: حالا که می‌روی شب و روزی یک ساعت به خود بپرداز، بعد از چندی که مرحوم میرزا از دیگران درباره مرحوم حاج میرزا حسین قاضی حال پرسید، در جواب گفتند: آقا آن یک ساعت تبدیل به ۲۴ ساعت شده که همواره در مراقبت و حضور و غزلت بود. اما عزلتی که:

هرگز میان حاضر و غایب شنیده‌ای من در میان جمع و دلم جای دیگر است راقم گوید که در صبح روز پنجشنبه ۲۰ شعبان المعظم ۱۳۸۷ هـ ق = ۲ آذر ۱۳۴۶ هـ ش در قم به حضور شریف مرحوم آیه الله حاج سید حسین قاضی طباطبایی پسر عموی آیه الله حاج سید علی قاضی (قدس سره) تشرّف حاصل کردم، مطالبی از آن جناب یادداشت کردم، از آن جمله موضوع مراقبت و حضور دائمی مرحوم حاج سید حسین قاضی و گفتار میرزای شیرازی با ایشان بود، چنانکه از استاد علامه طباطبایی نقل کردیم.

در شب چهارشنبه ۲۷ ذی الحجه ۱۳۴۷ هـ ق، به حضور شریف آیه الله استاد علامه طباطبائی تشرّف یافتیم تا سخن بدین جا رسید که فرمودند: آقا از این گونه امور حقیقی هر چه داریم از مرحوم آقای قاضی داریم، چه آنچه را که در حیاتش از ایشان تعلیم گرفتیم و از محضرش استفاده کردیم، و چه آنچه را که طریقی خودمان داریم از مرحوم قاضی گرفتیم. فتبصر.

نقل رؤیا و کلام مرحوم آیه الله آملی درباره علامه طباطبایی

در فردای همان شب (چهارشنبه ۲۷ ذی الحجه ۱۳۴۷ هـ ق) از قم به تهران رفتم و به

محضر مبارک جناب آیه الله حاج شیخ محمد تقی آملی (رضوان الله تعالی علیه) مشرف شدم و خوابی که ایشان را دیده‌ام که در عالم رؤیا به من فرمود: «التوحیدُ أن تنسى غیر الله». به ایشان عرض کردم: این جمله توحیدیه را که از من شنید، این بیت گلشن راز عارف شبستری را در بیان آن برایم قرائت فرمود:

نشانی داده‌اندت از خرابات که التوحید اسقاط الاضافات

اما مرحوم آملی، مصراع اول را چنین قرائت فرمود: خبر در داده‌اندت از خرابات الخ.

بعد سخن از مرحوم آقای قاضی و استاد علامه طباطبایی و اخوی محترم ایشان آیه الله مرحوم آقا سید محمد حسن الهی به میان آوردم، مرحوم آقای آملی به من فرمودند: «آقا! اگر کسی باید در تحت تصرف و تعلیم کاملی به جایی برسد و قدمی بردارد، من برای شما بهتر از جناب آقای طباطبایی (یعنی علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان) کسی را نمی‌شناسم و بیشتر با ایشان مراد داشته باشید که ایشان و مرحوم سید احمد کربلایی کشمیری در میان شاگردان مرحوم آقای قاضی (آیه الله حاج سید علی آقای قاضی طباطبایی تبریزی قدس سره) از همه بهتر بودند و آقای طباطبایی در همان وقت کشفیات بسیار داشتند».

رسالة محاکمات استاد علامه طباطبایی

روز جمعه اول ماه ذی القعدة ۱۳۹۲ ه‍.ق به حضور شریف جناب استاد علامه طباطبایی مشرف شدم، از رسالة تزییلات ایشان که محاکمات معظم له بین مکاتبات عارف بزرگوار مرحوم سید احمد کربلایی و حکیم نامدار مرحوم کمپانی (قدس سرهما) می‌باشد سخن به میان آمد. این مکاتبات بین غلمین نامبرده در معنی یک بیت عارف بزرگوار شیخ عطار (قدس سره) است:

او بسر ناید ز خود آنجا که اوست کی رسد عقل وجود آنجا که اوست
ایشان در محاکمات دقیقه‌های لطیف عرفانی و نظرهای بلند فلسفی دارد که افتتاح در آن را مجال دیگری و وقتی وسیع تر باید.

یکی از مؤلفات علامه طباطبایی علی و الفلسفة الالهیه

یکی از مؤلفات صاحب ترجمه (استاد علامه طباطبایی) رسالة وجیز بسیار عزیز

«علی و الفلسفة الالهية» است. در مقاله‌ای که جناب استاد به مناسبت تأسیس کنگره هزاره نهج البلاغه در تهران، ترقیم و بدان کنگره ارسال فرمود، تکمیل رساله مذکور را تمّنی کرد.

در آن مقاله نکته‌ای بسیار بلند قریب به این مضمون افاده فرمود که در میان جمیع صحابه رسول الله ﷺ از کسی جز امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیان معارف حقّه الهیه صاحب این همه گفتار بدین صورت که نهج البلاغه نمونه بارز آن است، نقل نشده است و احدی نشان نداده است.

جناب استاد علامه طباطبائی (مد ظله العالی) در صدر آن رساله و جیز عزیز «علی و الفلسفة الالهية» اصلی به غایت قویم، و مطلبی به نهایت عظیم به عنوان الدین و الفلسفة اهدا فرموده است که حقاً آنّه لظلم عظیم ان یفرق بین الدین الالهی، و بین الفلسفة الالهية.

این کلامی صادر از بطنان عرش تحقیق است که هر کس شنید گفتا: لله درّ قائله. آری دین الهی و فلسفه الهی را جدای از هم داشتن و پنداشتن براستی ستمی بزرگ است.

معلم ثانی ابونصر فارابی در آخر کتاب قیم خود به نام «تحصیل السعادة» بیانی شریف در پیرامون فلسفه دارد که منتهی به این نتیجه ارزشمند می‌گردد: فیلسوف کامل امام است. و صدر المتألهین در اسفار (ص ۷۵، ج ۴، ط ۱) فرمود: «تباً لفلسفة تكون قوانینها غیر مطابقة للکتاب والسنة». (مرگ بر فلسفه‌ای که قوانینش با کتاب و سنت مطابق نباشد).

سلسله مشایخ سیر و سلوک عرفان عملی علامه طباطبائی

در سنه هزار و سیصد و چهل و پنج هجری شمسی، آیه الله جناب آقا سید محمدحسن الهی قاضی طباطبائی (برادر مکرم استاد علامه طباطبائی) رفع الله تعالی درجاته المتعالیه، که در حوزه علمیه قم برای افاده و افاضه رحل اقامت افکنده بودند، این کمترین از محضر انورش بهره‌مند بود. در روز پنجشنبه چهارم ذی الحجه ۱۳۸۶ هـ ق = ۱۳۴۵/۱۲/۲۵ هـ ش، در معیت آن جناب در شیخان قم سخن از سلسله مشایخ سیر و سلوک عرفان عملی معظم له و حضرت استاد علامه طباطبائی به میان آمد، فرمودند: استاد ما مرحوم قاضی (رضوان الله علیه) (آیه الله حاج سیدعلی قاضی

طباطبایی) (قدس سره العزیز) بود، و استاد قاضی مرحوم حاج سیداحمد کربلایی، و استاد ایشان مرحوم آخوند مولی حسینقلی همدانی، و استاد ایشان مرحوم حاج سید علی شوشتری، و استاد ایشان ملاقلی جولا.

و بعد از ملاقلی جولا را نمی شناسیم و نمی دانیم که خود ملاقلی جولا چه کسی بود، و خود حاج سیدعلی شوشتری هم او را نمی شناخت.

واقعۀ ملاقات حاج سیدعلی شوشتری و ملاقلی جولا

مرحوم حاج سیدعلی شوشتری در شوشتر بود و عالم مبسوط الید آنجا بود. وقتی مرافعه‌ای در باره ملک و قفی به میان آمد، عده‌ای مدعی بودند که این ملک وقف نیست، و وقف نامچه را در صندوقچه‌ای نهادند و در جای مخصوصی دفن کردند، و آنهایی که مدعی وقف بودند هیچ مدرکی در دست نداشتند، خلاصه چند روز مرحوم شوشتری در حکم این واقعه حیران بود و طرفین دعوی هم مصر بودند و هر روز آمد و رفت می کردند و از مرحوم شوشتری حکم می خواستند، مرحوم شوشتری در همین گیر و دار بود که روزی مردی به سویش رفته، در زد؛ کسی دم در آمد و پرسید کیستی؟ آن مرد گفت: به آقا بگو مردی به نام ملاقلی جولا می خواهد شما را ببیند، وارد خانه شد و نزد مرحوم شوشتری رفت و گفت: آقا من آمدم به شما بگویم که باید از اینجا سفر کنی و به نجف بروی و در همان جا اقامت کنی. بدانکه وقف نامچه این ملک در فلان مکان دفن است و ملک وقف است.

مرحوم شوشتری هم ملاقلی جولا را نمی شناخت، خلاصه دستور داد آن موضع را کنند و وقف نامچه را بدر آوردند، و پس از این واقعه از قضا و مرافعه دست کشید و شوشتر را ترک گفت و در نجف اقامت نمود و در آنجا به درس فقه مرحوم شیخ مرتضی انصاری (رضوان الله علیه) می رفت و مرحوم شیخ هم به درس اخلاق او حاضر می شد. تا اینکه مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی دنبال حقیقت را گرفت و هادی می طلبید، از همدان درآمد چندی در نزد عالمی به سر برده از او چیزی نیافت، به سوی نجف رخت بر بست، در محضر مرحوم شوشتری و انصاری حاضر شد و از هر دو کمال استفاضه نمود.

چون شیخ انصاری از دنیا رحلت کرد آخوند همدانی در پی نوشتن مطالب اصولیه و فقهیه مرحوم شیخ انصاری شد، مرحوم شوشتری او را منع کرد و گفت: این کار تو

نیست، دیگران هستند این کار را بکنند، شما باید مستعدین را دریابید، پس مرحوم آخوند ملا حسینقلی (اعلی الله مقامه) در پی تربیت قابلین شد به طوری که بعضی را از صبح تا طلوع آفتاب و عده‌ای را از طلوع آفتاب تا مقدری از برآمدن روز و هکذا حتی بعضی را در سر شب و بعضی را در آخر شب به راه سعادت رهنمون شد، تا اینکه توانست سیصد نفر را به طوری تربیت کند که هریک از اولیاء الله شدند، از آن جمله هست: مرحوم شیخ محمد بهاری، مرحوم سید احمد کربلایی، مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی، مرحوم شیخ علی زاهد قمی، مرحوم سید عبدالغفار مازندرانی. این بود قسمتی از افادات استاد الهی طباطبایی در آن روز شیخان قم درباره سلسله مشایخ سیر و سلویشان.

الانسان قبل الدنيا وفي الدنيا وبعدها

از جمله مؤلفات جناب استاد علامه طباطبایی، سه رساله شریف گران قدر به نامهای: الانسان قبل الدنيا، والانسان في الدنيا، والانسان بعد الدنيا است. همان طور که در صدر این رساله گفته ایم أم الكتاب آن جناب، تفسیر عظیم الشأن المیزان است که بسیاری از امتهات مسائل رسائل او را حائز است، مثل رساله ولایت که تفسیر آیه «يا ايها الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ» (۱۰۵/مانده) حائز آن است. و یا رساله الانسان بعد الدنيا که تفسیر آیه «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» (۲۱۳/بقره) حائز آن است مع ذلك رسائل مفرده را اهمیتی است که هم واحد در تصنیف و تدوین آن اعمال شده است، لذا به رسائل علما اقبال و اعتنایی دیگر است.

مناسب است در این مقام از دانشمند نامور فلکی کامیل فلاماریون فرانسوی یادی شود. فلاماریون را در موضوعات مختلفه مصنّفات سودمند و ارزشمند است، از آن جمله کتابی به نام مرگ و راز آن (LA MORT ET SON MYSTERE) که در سه جلد، اولی پیش از مرگ (Avant lamort) و دومی گردا گرد مرگ (Autour de lamort) و سومی پس از مرگ (Apres lamort) است. این کتاب فلاماریون را عالم مصری محمد فرید وجدی به عربی ترجمه کرده است و آن را «علی أطلال المذهب المادّي» نام نهاده که مانند اصل آن بسیار مفید است. ظاهراً جناب استاد در تسمیه رسائل یادشده باید ناظر به کار فلاماریون باشد و باید از خود آن جناب پرسید.

هدف سفرای الهی تعلیم و تأدیب بشر است

این بنده ناچیز، حضرت استاد علامه طباطبایی (افاض الله تعالی علینا بركات انفسه الشریفه) را در تعلیم و تأدیب چنان یافته است که معلم ثانی ابونصر فارابی در کتاب تحصیل السعادة (ص ۲۹، طبع حیدرآباد دکن) در این دو رکن رکن و دو اصل اصیل، اَعْنِی تعلیم و تأدیب افاده فرموده است: «والتعلیم هو ایجاد الفضائل النظریه فی الأمم والمدن، والتأدیب هو طریق ایجاد الفضائل الخلقیه والصناعات العلمیه فی الأمم. والتعلیم هو بقول فقط، والتأدیب هو أن يعود الأمم والمدنیون الافعال الکائنه عن الملكات العلمیه بان تنهض عزائمهم نحو فعلها وأن تصیر تلك وفعالها مستولیة علی نفوسهم ویجعلوا کالعاشقین لها»؛ (تعلیم عبارت است از ایجاد فضایل نظری در امت‌ها و جوامع بشری. و تأدیب عبارت است از راه ایجاد فضایل اخلاقی و صناعت‌های علمی در میان مردم. تعلیم با گفتار صرف حاصل آید. ولی تأدیب با عادت دادن امت‌ها و افراد بشر به کارهایی که براساس ملکه علمی تحقق می‌یابند. بدین ترتیب که اراده آنان به سوی انجام آن کارها حرکت کند و ملکه‌های علمی و اعمال مترتب بر آنها، بر نفوس مستولی گشته و مردم مانند عاشقان به امور مزبور مشتاق گردند).

هر یک از تألیفات جناب استاد علامه طباطبایی در این دو اصل مذکور حائز اهمیت به سزا و حاوی نقادی‌های دقیق و عمیق است. به حقیقت آن جناب در تعلیم و تأدیب نفوس مستعدّه در دانشگاه معارف عالیّه حقّه الهیه، اَعْنِی حوزه علمیه قم، در زمانی که علائق به امور طبیعی و لذا ید مادی دامنگیر اکثر شده است، لطفی است از جانب خداوند متعال که ارزانی داشته شد تا حجت بر همگان تمام باشد، **ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذوالفضل العظیم**. معظم‌له از شجره علم و تقواست و چندین پشت از اسلاف آن جناب، همه از امثال و افاضل عصر خود در منقبتین علم و تقوا بودند (رضوان الله علیهم اجمعین).

آثار عمده قلمی جناب علامه طباطبایی از نظم و نثر

همه آثار آن جناب علم است و فکر، همه حقیقت است و معرفت، همه بحث است و فحص، همه عشق است و عقل، همه قرآن است و حدیث، ...

هر که سخن با سخنی ضم کند قطره‌ای از خون جگر کم کند

- ۱ - تفسیر عظیم الشأن «المیزان» در بیست مجلد که أم الکتاب مؤلفات اوست.
- ۲ - اصول فلسفه و روش رئالیسم.
- ۳ - حاشیه بر اسفار صدرالمতألهین که با اسفار چاپ دوم به طبع رسیده است.
- ۴ - مصاحبات با استاد کربن.
- ۵ - رساله در حکومت اسلامی.
- ۶ - حاشیه کفایه که در دست طبع و نشر است.
- ۷ - رساله در قوه و فعل.
- ۸ - رساله در اثبات ذات.
- ۹ - رساله در صفات.
- ۱۰ - رساله در افعال.
- ۱۱ - رساله در وسائط.
- ۱۲ - رساله الانسان قبل الدنيا.
- ۱۳ - رساله الانسان فی الدنيا.
- ۱۴ - رساله الانسان بعد الدنيا.
- ۱۵ - رساله در نبوت.
- ۱۶ - رساله در ولایت.
- ۱۷ - رساله در مشتقات.
- ۱۸ - رساله در برهان.
- ۱۹ - رساله در مغالطه.
- ۲۰ - رساله در تحلیل.
- ۲۱ - رساله در ترکیب.
- ۲۲ - رساله در اعتبارات.
- ۲۳ - رساله در نبوت و مقامات.
- ۲۴ - منظومه در رسم خط نستعلیق.
- ۲۵ - علی والفلسفة الالهیه.
- ۲۶ - قرآن در اسلام.
- ۲۷ - شیعه در اسلام.
- ۲۸ - محاکمات بین دو مکاتبات.

۲۹- بسیاری از مقالات علمی که در مجلات علمی منتشر شده است.

۳۰- بداية الحکمة.

۳۱- نهاية الحکمة.

این دو کتاب اخیر (بدایه و نهایه) از متون فلسفی بسیار مهم است، که عالی ترین سیر تکاملی فلسفی الهی از قلم وزین و سنگین چون صاحب «المیزان» تدوین شد که بحمدالله تعالی اکنون در حوزه علمیه قم از کتب درسی طالبان حکمت است.

آن کس که زکوی آشنایی است داند که متاع ما کجایی است

این چند سطر را به طور عجاله به اندازه درایت خودم از معظم له تحریر و به حضور ارباب فضل تقدیم داشتیم و مقَرَّم که حق ترجمه را در حق صاحب ترجمه ایفا نکرده‌ام، هر چند

مرد را صد سال عم و خیال او یک سر مویی نداد حال او

ولی باز امید است که در فرصت بیشتر وظیفه قدر شناسی ام را نسبت به ساحت مقدس آن جناب و برادر مکرم او حضرت آیه الله جامع المعقول والمنقول، آقا سید محمدحسن الهی قاضی طباطبایی (قدس سزه العزیز و روحی له الفدا) که آن هر دو سرور و مولایم برای بنده کمترین ناچیز، حقوق تعلیم و تأدیب بسیار دارند، به پیشگاه مردم صاحبدل عرضه بدارم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لقد علمنی رسول الله صلی الله علیه و آله ألف باب یفتح کل باب ألف باب». (بحار، ج ۷، ص ۲۸۱)

وعن زراره وأبی بصیر عن الباقر والصادق علیهما السلام «فلاعلینا أن نلقى إلیکم الأصول وعلیکم أن تفرّعوا». (ماده ف ر ع مجمع البحرین طریحی ره)